



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۹ آبان ۱۴۰۳

مصادف با: ۲۶ ربیع الثانی ۱۴۴۶

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

موضوع جزئی: موضوع‌شناسی: ۲. تورم - تعریف تورم - تفاوت تورم و گرانی

جلسه: ۱۲

سال دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

۲. تورم

موضوع دومی که در بحث از موضوع‌شناسی لازم است در حد مختصر به آن پرداخته شود، تورم است. همانطور که در جلسه گذشته عرض کردم، در ابتدای این بحث اشاراتی به این موضوع داشتیم اما آنچه در آغاز درباره تورم گفتیم، عمدتاً از این جهت بود که مسئله تورم یا کاهش ارزش پول یا کاهش قدرت خرید یک مسئله جدید محسوب می‌شود یا یک مسئله قدیمی است. به مناسبت بحث از نوپدید بودن یا قدیمی بودن این مسئله، اشاره‌ای به تورم و تفاوت آن با گرانی و برخی از علل و اسباب تورم کردیم؛ اما این فقط از آن منظر مطرح شد.

تعریف تورم

تورم به انحاء مختلف تعریف شده است؛ من اشاره‌ای به برخی از این تعاریف خواهم کرد و آن قدر مشترکی که از میان همه تعاریف می‌تواند مورد قبول واقع شود را ذکر خواهم کرد.

تورم و کاهش ارزش پول دو مفهوم مساوی نیستند؛ موضوع بحث ما کاهش ارزش پول است که این چه اثری در ابواب مختلف فقهی دارد. کاهش ارزش پول با بیان و تعبیر دیگری هم مطرح می‌شود: کاهش قدرت خرید. تقریباً این دو جمله یا عبارت یکسان هستند و یک حقیقت را می‌رسانند. وقتی ارزش پول کم شود، یعنی قدرت خرید کم شده است. تورم یک اصطلاحی است که شاید برای اولین بار در قرن نوزده میلادی طبق برخی از نوشته‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. این اصطلاح جدید است، اما حقیقت تورم که از یک منظر نتیجه و ثمره‌اش همان کاهش قدرت خرید یا کاهش ارزش پول است، یک اصطلاح خاص است.

تعریف‌های مختلفی برای تورم ذکر کرده‌اند که برخی از این تعاریف ناظر به اسباب آن یا یک سبب از اسباب آن است؛ برخی از منظر دیگری آن را تعریف کرده‌اند.

۱. بعضی گفته‌اند تورم عبارت از پیشی گرفتن نرخ رشد نقدینگی از نرخ رشد تولید واقعی است؛ حالا اینکه منظور از نقدینگی چیست، منظور از تولید واقعی چیست و اینکه نرخ رشد در هر یک از اینها به چه معناست و چگونه محاسبه می‌شود، این نیاز به توضیح بیشتر دارد. اینجا در واقع به یکی از اسباب و علل تورم اشاره شده است؛ بیشتر شدن نرخ رشد نقدینگی از نرخ رشد تولید واقعی یک سبب و یک علت است.

۲. برخی تورم را عبارت از پیشی گرفتن نرخ عرضه پول یک کشور از نرخ رشد اقتصاد آن کشور می‌دانند؛ اینها می‌گویند وقتی عرضه پول از رشد اقتصادی بیشتر باشد، تورم پدید می‌آید. پس تورم طبق این تعریف و تعریف قبلی، معلول این پیشی

گرفتن است نه اینکه عبارت از خود اینها باشد. البته تعریف دوم هم قابل بازگشت به تعریف اول است؛ وقتی سخن از عرضه پول یک کشور به میان می‌آید، این به یک معنا همان نقدینگی است یا رشد اقتصادی بر رشد تولید واقعی فی‌الجمله قابل انطباق است؛ ممکن است در یک جهاتی فرق داشته باشند.

به هر حال این تعریف‌ها و نظایر آن، به نوعی به سبب و علت وقوع تورم اشاره می‌کند. برخی تعریف‌ها به لوازم تورم اشاره دارند. اما این مسئله مهمی نیست که ما بر سر تعریف و اینکه کدام تعریف ارجح است، بحث کنیم و معطل شویم؛ عمده این است که این حقیقت روشن شود.

۳. تورم به یک بیان ساده و قابل فهم که تقریباً مورد وفاق است و به نوعی همه آن را پذیرفته‌اند، عبارت است از افزایش سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات در یک دوره خاص.

چند جزء محقق شود تا بگوییم تورم پدید آمده است:

اولاً: افزایش قیمت باید باشد.

ثانیاً: این افزایش در سطح قیمت عمومی باید صورت بگیرد. قیمت عمومی در برابر قیمت نسبی است؛ سطح عمومی قیمت‌ها یعنی متوسط قیمت‌های همه کالاها و خدمات؛ میانگین قیمت همه کالاها و خدمات. لذا شما یک وقت می‌بینید مثلاً در یک سال قیمت مسکن کاهش پیدا می‌کند یا رشد آن متوقف می‌شود اما چون در سایر اقلام سبد کالای خانوار قیمت بالا رفته، این تورم محسوب می‌شود. خود محاسبه نرخ تورم یک روشی دارد، اما سطح عمومی قیمت یعنی میانگین قیمت کالاها و خدمات مورد استفاده غالب مردم، که این شامل مسکن، خوراک، پوشاک، سفر، هزینه‌های حمل و نقل، تحصیل فرزندان و هر آنچه که به عنوان سبد کالا معرفی می‌شود. البته در اینکه چه تعداد کالا را در نظر می‌گیرند، ... بعضی‌ها می‌گویند انواع کالا و خدمات را به دوازده گروه اصلی تقسیم می‌کنند و ۳۵۹ کالا و خدمت را در ۷۵ شهر منتخب بررسی می‌کنند؛ آن وقت می‌گویند مثلاً تورم رشد کرده و نرخ تورم افزایش پیدا کرده یا کاهش پیدا کرده است. پس افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها ملاک است، نه یک کالای خاص و نه بعضی از کالاها؛ کالاهایی که در سبد کالایی به عنوان اقلام مصرفی، چه به صورت کالا و چه به صورت خدمت قرار می‌گیرد را محاسبه می‌کنند. حالا کسی ممکن است مثلاً از یک خدمات ویژه استفاده می‌کند، خیلی هم لوکس و گران؛ آن را در این سبد کالا نمی‌آورند؛ یا کسی یک کالای خیلی خاصی استفاده می‌کند که لوکس و گران؛ چون نوع مردم از آن استفاده نمی‌کنند، این را در سبد کالا قرار نمی‌دهند. مثلاً کسی خاویار مصرف می‌کند که یک کالای لوکس و گران است، ۹۹ درصد مردم مصرف نمی‌کنند؛ لذا خاویار در این سبد کالایی قرار نمی‌گیرد. ممکن است قیمت این کالا خیلی هم افزایش پیدا کند و یک دفعه صد برابر شود؛ ولی آن را ملاک قرار نمی‌دهند.

ثالثاً: این افزایش در یک دوره زمانی معین و در یک بازه زمانی خاص مورد توجه قرار می‌گیرد. الان متعارف این است که این بازه زمانی یک سال است؛ مثلاً از فروردین تا اسفند، یا ممکن است حتی مهر یک سال تا مهر سال بعد را به عنوان زمان خاص در نظر می‌گیرند و اینکه در این مدت چه مقدار نسبت به مدت مشابه سال قبل، سطح عمومی قیمت‌ها بالا رفته است.

سؤال:

استاد: من این را بعداً عرض می‌کنم؛ شاید بخشی از اینها خیلی به بحث ما ارتباط نداشته باشد، اما بد نیست بدانیم. ما تورم

نقطه به نقطه داریم، تورم سالانه داریم؛ رکود تورمی داریم، ابرتورم داریم. بحث‌های زیادی در مورد تورم قابل طرح است. ... وقتی می‌گویید سطح عمومی قیمت‌ها، همین در آن است. ... کلمه سطح عمومی در واقع برگرفته از قیمت‌های این ۳۵۹ کالا و اخذ میانگین آن است. حالا اینکه یک جایی نوشته‌اند متوسط قیمت‌ها، آن هم همین است و فقط عبارت فرق می‌کند؛ و الا وقتی می‌گویید افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در یک دوره زمانی معین، این همان است.

نکته‌ای که باید به آن توجه شود، این است که افزایش سطح عمومی قیمت‌ها گاهی سرعت زیاد دارد و گاهی کم سرعت است. الان شما این را شنیده‌اید که مثلاً می‌گویند نرخ رشد تورم کاهش پیدا کرده است. می‌گویند مثلاً در سال ۱۴۰۲ یا در سال ۱۴۰۰، نرخ رشد تورم ۳۵ درصد بود، اما امسال نرخ رشد تورم به ۲۵ درصد رسید؛ یا تعبیر کاهش نرخ تورم را به کار می‌برند؛ مثلاً می‌گویند نرخ تورم ۱۰ درصد کاهش پیدا کرد. در ذهن برخی این می‌آید و بسیاری هم این را مطرح می‌کنند که اینها دارند اعلام می‌کنند نرخ تورم کاهش پیدا کرده در حالی که ما هیچ نشانه‌ای از کاهش قیمت‌ها یا ارزانی نمی‌بینیم. کاهش نرخ رشد یعنی کاهش سرعت رشد قیمت‌ها؛ من برای اینکه تقریب به ذهن صورت بگیرد عرض می‌کنم؛ اگر فرض کنید ما عدد ۳۵ را سرعت یک ماشین در حال حرکت بدانیم؛ این ماشین با سرعت ۳۵ کیلومتر در ساعت حرکت می‌کند. این ماشین رو به جلو می‌رود. اما وقتی این سرعت از ۳۵ به ۲۵ می‌رسد، این معنایش بازگشت نیست؛ بلکه معنایش آن است که آن سرعتی که به سوی مقصد داشت، از آن سرعت کاسته شده و الا این ماشین در حال حرکت است و همینطور رشد می‌کند؛ ما رشد را عبارت از سرعت بگیریم و عدد ۳۵ و ۲۵ را هم برای تورم در نظر بگیریم. این ماشین تا حالا با یک سرعت بیشتری می‌رفت؛ ماشین رشد قیمت‌ها با یک سرعت بیشتری حرکت می‌کرد، اما حالا سرعت آن کم می‌شود ولی سرعت را دارد و رو به مقصد دارد می‌رود. پس این معنایش آن است که سرعت رشد قیمت‌ها کم شده است؛ یعنی اگر مثلاً نرخ تورم سال گذشته ۳۵ درصد بود و امسال به ۲۵ درصد می‌رسد، قیمت‌ها ۳۵ درصد اضافه نمی‌شود، ۲۵ درصد اضافه می‌شود؛ ولی به هر حال اضافه می‌شود. بنابراین تا زمانی که تورم وجود دارد، افزایش قیمت هم وجود دارد؛ منتها از سرعت رشد قیمت و از میزان رشد قیمت کاسته می‌شود. پس نباید گمان کرد که وقتی سخن از کاهش نرخ رشد تورم به میان می‌آید، معنایش این است که قیمت‌ها از آنچه بود باید کمتر شود. نه، قیمت‌ها کماکان تا زمانی که تورم هست، در حال بالا رفتن است، منتها مقدار بالا رفتن و سرعت بالا رفتن و رشد، کمتر شده است.

سؤال:

استاد: البته این مسئله‌ای نیست که آن دو بزرگوار به آن توجه نداشته باشند؛ بعید است. این مقدار از اولیات این موضوع است و بالاخره تفاوت اینکه ما بگوییم قیمت‌ها دارد کاهش پیدا می‌کند یا نرخ تورم کاهش پیدا کرده یا مثلاً فرق بین ارزانی و کاهش نرخ تورم، یا فرق بین گرانی و کاهش نرخ تورم، اینها را بعید می‌دانم که این آقایان توجه نداشته باشند.

بالاخره معنای تورم معلوم است: افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در یک دوره معین، آن هم نه یک زمان خیلی طولانی. اگر مثلاً صد سال پیش سطح عمومی قیمت‌ها یک عدد بوده، ۲۰۰ سال پیش، ۵۰۰ سال پیش، و امروز نسبت به ۵۰۰ سال پیش سطح عمومی قیمت‌ها بالا رفته باشد، این را نمی‌گویند تورم. تورم در یک بازه زمانی معین است. یک وقت این ممکن است مطرح شود که نرخ تورم فلان کشور در طول ۵۰ سال ثابت مانده است؛ یعنی ۵۰ سال پیش نرخ تورم ۲ درصد بود و الان هم ۲

درصد است. این مقایسه نرخ تورم در این دو سال است؛ این فرق می‌کند با اینکه کسی بگوید مثلاً ۵۰ سال پیش سطح عمومی قیمت‌ها این چنین بود و الان این چنین است؛ پس تورم وجود دارد. چون این در یک دوره زمانی معین ملاک است. اما اگر فرض کنید در یک دوره طولانی، سه یا چهار قرن سطح عمومی قیمت‌ها افزایش پیدا کند، این را تورم نمی‌گویند. این یک بیان ساده از حقیقت تورم است. پس تورم عبارت است از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در یک دوره زمانی معین، که این دوره قهراً مثلاً یک دهه و یک قرن نیست.

تفاوت تورم و گرانی

این نکته را هم عرض کنم که تورم با گرانی تفاوت دارد؛ ما قبلاً به این مسئله اشاره کردیم. گرانی عبارت است از افزایش قیمت در یک کالا یا برخی کالاها. وقتی مسئله گرانی مطرح می‌شود، دیگر سخن از میانگین قیمت ۳۵۹ کالا نیست؛ اینجا یک کالای خاص یا برخی کالاهای خاص اگر قیمتش افزایش پیدا کند، می‌گویند گران شده است. لذا تعبیر قیمت نسبی را در مورد گرانی به کار می‌برند؛ می‌گویند گرانی عبارت است از افزایش قیمت نسبی یک کالا یا برخی کالاها. پس اصلاً بحث سبد کالا و میانگین مطرح نیست. لذا ممکن است یک کالایی به شدت گران شود در حالی که تورم افزایش پیدا نکرده باشد. مثلاً نرخ رشد تورم در یک جایی ممکن است ۱۰ درصد باشد. سال گذشته سطح عمومی قیمت‌ها یک عددی بوده، امسال سطح عمومی قیمت‌ها ۱۰ درصد افزایش پیدا کرده؛ یا اینکه ثابت مانده است، یعنی پارسال ۱۰ درصد بوده و امسال هم همان ۱۰ درصد است. یا حتی ممکن است سال گذشته نرخ رشد تورم ۱۰ درصد بوده و امسال ۵ درصد شده است؛ تورم ۵ درصد کاهش پیدا کرده است. اما یک کالایی ۳۰ درصد گران شده باشد؛ مثل اتفاقی که برای مسکن در بعضی از سال‌ها افتاد. یک دفعه مسکن ۱۰۰ درصد افزایش پیدا کرد؛ بعد از یک دوره رکود در مسکن، یک دفعه قیمت‌های مسکن ظرف یکی دو سال دو برابر شد، در حالی که هیچ وقت نرخ تورم ما ۱۰۰ درصد نبوده است. چون وقتی می‌گویند نرخ تورم ۱۰۰ درصد است، یعنی سطح عمومی قیمت‌ها دو برابر افزایش پیدا کرده است. پس اگر یک کالای خاصی یا برخی کالاها قیمتشان افزایش پیدا کند، به این گرانی می‌گویند. در گرانی نه سطح عمومی ملاک است و نه دوره زمانی معین؛ یعنی میانگین ۳۵۹ کالا و خدمت مطرح نیست؛ همان کالای خاص یا برخی کالاهای خاص را در نظر می‌گیریم. اگر افزایش پیدا کرد، می‌گوییم گران شده است.

به قول بعضی‌ها گرانی چه بسا از لوازم رشد اقتصادی باشد. خیلی جاها رشد اقتصادی دارند و رشد بالایی دارند، اما گرانی هم دارند؛ مثل آنچه که در ایران در اوایل دهه هفتاد و بعد از جنگ اتفاق افتاد. آنجا نرخ رشد اقتصادی یک دفعه بالا رفت؛ بعد از دوران جنگ، نرخ رشد اقتصادی ما بالا رفت اما گرانی هم زیاد بود.

بحث جلسه آینده

تفاوت‌های بین گرانی و تورم از جهات مختلف قابل طرح است. مثلاً گفته می‌شود گرانی به سیاست‌های عرضه مربوط است اما تورم به سیاست‌های پولی؛ یعنی از حیث اسباب و علل و عوامل، یک تفاوت‌هایی بین اینها وجود دارد. ان‌شاءالله این را بیشتر توضیح می‌دهیم و بعد این نکته را که هم قبلاً گفته‌ایم و ان‌شاءالله بعداً هم اشاره خواهیم کرد که آیا آنچه در برخی روایات آمده، گرانی است یا تورم. ما بحث افزایش قیمت‌ها را در بعضی روایات می‌بینیم که در زمان خود پیامبر(ص) هم اتفاق افتاده است. حالا باید ببینیم آنچه که آن موقع اتفاق افتاده، گرانی بوده یا تورم.

«والحمد لله رب العالمین»